

باقی سمندر

21-06-2011

عکسها و یادی از درمسال گردنه باغ بالا یا کارته پروان، قسمت سوم



































در اینجا در عبادت گاه جوی شیر بمن اجازه دادند تا عکسهای از داخل عبادتگاه هم بگیرم.

جوی شیر :

جوی شیر نام یکی از قدیمی ترین جویها و نهر های کابل قدیم بود و میباید. من باری در گزارش گونه ای که در تارنمای گفتنمان برای دیموکراسی در افغانستان، روزنامه های هشت صبح و نخست منتشر شده بود، زیر عنوان

نیم نگاهی به محیط زیست در کابلستان

نوشته بودم که :

"دریای کابل تقریباً مرده است. در هر گوشه آن از بام تا شام " رگ " می زنند یا " قضاى حاجت " میکنند .

در گذشته ها یک بالای جوی و یک پایان جوی وجود داشت و بند بالا جوی در حصه چهل دختران بطرف چهار آسیاب بسته میشد و باغ بابر را آبیاری میکرد و آب اش به بالا حصار کابل میرفت و بعد از مصرف در نیزار ها سرازیر میشد.

بند پایان جوی هم در چهار آسیاب بسته میشد و تا زیر یخدان در حصه پل آرتل را آب یاری میکرد اما امروز جویها پر از گند و کثافت است.

از دریای چمچه مست آب به نهر در سن میرفت و در دامنه کوه از درمسال یا گلواره و از جوی شیر میگذشت و نو آباد ده افغانان را آبیاری کرده و یک بخش آن بطرف ولایت کابل سرازیر میشد و بخش دیگرش به طرف سرای شمالی میرفت.

بند دیگری در میان دریای کابل وسط باغبان کوچه و اندرابی بسته میشد و معروف به بند کلاه دوز ها بود و آب این بند از اندرابی مقابل دکان کریم مارگیر میگذشت و تا منطقه زنده بانان و پوستین دوزها و طرف قلعه زمان خان میرفت.

اما امروز آب این دریا در ماه های آب خیزی به پاکستان می رود و در وقت خشک آبی دریا از اونی تا پلچرخی و از لوگر تا زن آباد به یک محل بویناک و گندیده تبدیل شده است.

در کابل سخن از شهروندان بمیان می آورند ولی به نظر من انسانهای شهری شهر خود و کوچه و پس کوچه خود را دوست میداشته باشند و پاک نگه میدارند، حالانکه تمام کابل بدون استثنا پر از زباله و گند و کثافات است. 1"

نگاهی به عبادت گاه جوی شیر :

هم اکنون درگذر جوی شیر مسجد مصطفوی (ص) عبادتگاه مسلمان ها و عبادت گاه شهروندان هندی ما در کابل دیوار به دیوار همدیگر قرار دارد. هر روز مسلمان در عبادت گاه خود میروند و هندو در عبادت گاه خود هیچگاهی مردم هندی ما که در عبادت گاه جوی شیر میروند، کوچکترین شکایتی از مردم باشندگان گذر جوی شیر ندارند.

عمر مسجد مصطفوی برمیگردد به همین چند سال اخیر.

اما عمر عبادت گاه شهروندان هندی ما در جوی شیر کمتر از عمر دیوار های کوه های شیر دروازه و آسه مایی و عبادت گاه آسه مایی نیست یعنی بیشتر از هزار سال است.

من بخاطر دارم که در سال 1344 وقتی جاده شاهی ، پوهنی ننداری و سینمای کابل ، کوچه سیکه بچه ها و خیابان و سرای حلبی سازی حاجی عبدالرحمن و کبابی مشهور سلیمان در کوچه خیابان ، لیسه عایشه درانی و تمام منطقه چهار باغ کابل ویران گردید .

نام آن محل چهار باغ و لیسه عایشه درانی قدیم و یک بخش جاده شاهی قدیمی را همانسال پارک زرنگار ماندند .

نخست کوتی لندن را که نخستین پایگاه رادیویی کابل از زمان اعلیحضرت امان الله خان بود، در مقابل تعمیر سره میاشت تخریب نمودند.

بعدن بخشهای از گدام ماشین خانه های فابریکه حربی یا کارخانه باغ الم گنج و مطبعه

سکوک را از منطقه پشت دیوار های سره میاشت یا شنگ نو آباد ده افغانان از نزدیکی های پل آرتل تا شنگ ده افغانان را که در منطقه چهار باغ و بعدن پارک زرنگار قرار داشت ، تخریب کردند و جاده آسه مایی را ساختند.

آنوقت فرزندان محمد ظاهرشاه یکی بنام احمد شاه ونایب السطنه رییس سره میاشت و دیگرش محمد نادر رییس باغ وحش بودند.

از اینرو گذر نقاش (نخاس) وجوی شیر که یک بخش آب اش از بند آب مقابل قهوه خانه یا باغ وحش بعدی ومقابل قوریه گذر گاه لبریز میشد ودیگرش از نهر درس مقابل خانه عبدالاحد خان کرزی رییس شور اوخانه غلام حضرت خان کوشان و مجددی و رویان میگذشت ، برایم نام جوی شیر بسیار بسیار آشنا و پر از خاطره هاست . نمیخواهم شما را با خاطرات خودم خسته گردانم. من این نام ها را عمدن وقصدن مینویسم تا بخاطر کابلی های عزیز ما در هر گوشه ای دنیا که میباشند ، گوشه های شهر کابل بخاطر شان بیاید و در باره باز سازی ونوسازی و گذشته و آینده اش اندکی تامل نمایند. منظور دیگری در کار نیست مرا.

از آنروزها جوی شیر ونامش و خاطراتش برایم بیشتر آشناست.

به تصویر کوتی لندن در پایان نگاه نمایید.



گلکسیون محمد نجیب قنبر، عکس و متن شماره ۱۰

در عکس بالایی شما کوتی لندن و دو مینار چراغدانی پل آرتل را میبینید. بعدن در طرف شمال کوتی لندن سره میاشت را ساختند تا برای نایب السلطنت احمد شاه مصروفیت خلق کرده باشند. اینک رییس سره میاشت به گمانم خانم فاطمه گیلا نی میباشند.



پل آرتل را نود سال بعد از عکس سیاه و سفید دوران علیحضرت امان الله ببینید.

شما در داخل دریا و در کنار دیوار دو نفر را مشاهده مینمایید. دو نفر معتادین اند که برایشان هیرویین برای تزریق یا پیچکاری آماده میسازند و معتادین دیگر برای پیدا کردن یک لقمه نان در شهر پراکنده شده اند. این منطقه در سمت مقابل همان کوتی لندنی و در برابر ریاست سره میاشت قرار دارد. به عکس دیگر توجه نمایید. در دور دست ها شما گلدسته های مسجد خاتم النبیین و گنبد مسجد را میبینید که توسط شیخ محمدآصف محسنی در محل تعمیرلیسه وزارت زراعت ، خوابگاه لیسه خوشحال خان و یک بخش از ریاست وزارت امنیت ملی دوران نجیب ساخته شده است.



در عکسها شما ریاست سره میاشت را میبینیدو درست در برابر کوتی لندن سابقه. در پایان دریا در سی قدمی سره میاشت پایگاه و خوابگاه معنادرین به هیرویین قرار دارد. اما ریس سره میاشت و وزارت صحیحه افغانستان در قصه معنادرین نیستند. شما تعمیر با رنگ گل سرشونی را میبینید که یک دروازه فابریکه حربی یا ماشین خانه میباشد.